

زندگی بدون استاندارد - ۳

عباس عبدي

همه راه‌ها به آزادی رسانه ختم می‌شود در یادداشت پیش به نوع پیچیده‌ای از فساد در فروری متریول پرداختم و اکنون به عامل دوم که بسیار مهم است یعنی ناکارآمدی رسانه رسمی می‌پردازم. در اولین بخش به تاثیر تعیین‌کننده این عامل در عدم قبول خبر فوت عبدالباقی اشاره کردم، به طوری که برخی نظرسنجی‌های مجازی حاکی از اعتقاد نداشتن ۹۵ درصد پاسخگویان به فوت او بود. قطعاً این نظر سنجی تعمیم‌پذیر نیست ولی این رقم به اندازه‌ای گویا هست که هر کسی را نسبت به وضعیت اعتماد در جامعه نگران کند. اعتماد یعنی این که اگر به دلیلی یک بار اشتباه کردی یا دروغ گفתי مردم حرف تو را بپذیرند نه این که راست بگویی و نپذیرند. برای درک ریشه این بی‌اعتمادی باید به غیراستاندارد بودن رسانه‌های رسمی به‌ویژه صدا و سیما اشاره کرد. مدیریت صداوسیما اعلام کرد که در رایه اخبار آبادان تذکر داده‌اند که محدودتر عمل کنیم. ولی نگفت که صداوسیما یکی از عوامل اصلی بروز چنین حوادثی است. چگونه؟ تا آنجا که پیگیری کرده‌ام، عموم مردم آبادان یا فعالان شهر از وضعیت ساختمان‌های عبدالباقی مطلع بوده‌اند. حتی گفته می‌شود که پیش‌تر نیز یکی دیگر از ساختمان‌های دچار مشکل شده بود. مدارک در تأیید مشکلات جدی در این سازه موجود و گزارش ناظر نیز منتشر شده است. آش‌چنان شور شده بود که برای دادگستری آبادان هم مستندات ارسال شده است و ظاهراً قرار است قوه قضاییه در باره تخلفات احتمالی در دادگستری اطلاع‌رسانی کند. داستان عبدالباقی عمومی‌تر از محافل رسمی است. کسی از قول مدیر یکی از کارگاه‌های ساختمانی عبدالباقی برایم نقل کرد که به او گفته بود، فلان ستون ایراد دارد و باید برش داد و سپس اصلاح شود. او هم پاسخ داده بود که نیازی به اصلاح نیست. به همین سادگی.

نتیجه؟ غیر ممکن است که مدارک چنین رفتارها و وضعیتی به دست صداوسیما آبادان یا استان یا کشور نرسیده باشد. پس چرا به جای طرح سوال و تهیه گزارش از این تخلفات و بازتاب دادن نظر مردم و کارشناسان و به پرسش گرفتن مسئولین نظارتی، صدا و سیما مشغول تهیه و پخش گزارش از افتتاح ساختمان‌های ساخته شده از طرف

عبدالباقی برای خودش و دولت و نیز گزارش مراسم اهدای جایزه به او بودند و هیچ گزارشی از این تخلفات نیست؟ مگر ممکن است که صداوسیما آبادان از این مسایل بیاطلاع باشد؟ اگر بیاطلاع باشد که باید در آن رسانه را گیل گرفت و اگر اطلاع داشته و گزارش و پیگیری نکرده که مسئولیت مشترک در ماجرا دارد و باید ابتدا به نقد عملکرد خود بپردازد. یک گزارش جدی آنان می‌توانست بساط تخلفات را جمع کند. فاصله صدا و سیما از استان‌دارد رسانه‌های جهانی بیش از هر فاصله دیگری است.

در مجموع آوار شدن متروپل محصول بی‌توجهی حکومت به انجام مسئولیت‌های خود در استان‌دسازی امور، تولیدات و بناها و نظارت بر اجرای دقیق آنها است. ضعف استان‌داری و فقدان نظارت بر آن در همه حوزه‌ها مشهود است در سیاست بیشتر است. برای نمونه استان‌داری برای مشارکت مردم در تعیین نمایندگان خود نداریم. در نتیجه، علیرغم مشارکت اندک مردم در انتخاب شورای شهر آبادان، فردی به عنوان شهردار از دل آن شورا بیرون می‌آید که امروز در زندان است. جالب این که مردم آبادان چند ماه پیش خطاب به دولت متنی را امضا کردند که این شهردار را نمی‌خواهند، که تعداد امضا کنندگان آن از تعداد آرای بسیاری از اعضای شورای شهرشان بیشتر بود ولی کسی به خواست مردم توجه نکرد و این وضعیت نیز محصول آن است. ظاهراً انتصاب او به شهرداری نیز خلاف ضوابط اداری است به عبارت دیگر حتی استان‌داردهای اداری مصوب خود را نیز رعایت نمی‌کنند! معلوم نیست چرا این استان‌داردها را نوشته‌اند؟ یکی از مهندسان ساختمان توضیح می‌داد که بیشتر ساختمان‌های اداری فاقد استان‌داردهای لازم هستند. برای ساختمان‌های دولتی به راحتی استان‌داردها را نادیده می‌گیرند چون بودجه ندارند. تخلف امثال عبدالباقی‌ها در مقایسه با تخلف نهادها و ماموران حکومت مسأله‌ای فرعی است. چون افراد عادی برای انجام کارهای خود از مردم حقوق نمی‌گیرند. مردم به قضات، فرماندار، شهردار و... حقوق می‌دهند تا به نیابت از آنان بر انجام امور و رعایت استان‌داردها نظارت کنند. پس مسئولیت اصلی رویداد اخیر متوجه نهادهای حکومتی است، هر کدام به نسبتی. برای نمونه اگر از این تخلفات به دادگستری یا رسانه‌های رسمی گزارشی نرسیده، در این صورت با فاجعه مواجه هستیم که چرا این همه تخلف بوده و کسی شکایت یا اطلاع‌رسانی نکرده؟ آیا ناامید از رسیدگی و انتشار بودند یا می‌ترسیدند شکایت کنند؟ و اگر شکایت آمده و اقدام نکرده که فاجعه عمیق‌تر است. مسئولیت حکومت‌ها نیز امری مستمر است، حتی با کودتا یا انقلاب هم زایل نمی‌شود، چه رسد به تغییرات کم‌عمق و سطحی.

پایان

منبع: روزنامه اعتماد 10 خرداد 1401 خورشیدی